

بررسی نقش خانواده، مدرسه، و گروه همالان در بزهکاری دانش‌آموزان

اکبر علیوردی‌نیا*

سیمین ستاره**

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش خانواده، مدرسه، و همالان در بزهکاری دانش‌آموزان شهر مشهد بوده است. روش تحقیق پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل دانش‌آموزان دبیرستانی سال سوم دبیرستان‌های ناحیه ۵ شهر مشهد در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ بوده است که در مجموع ۴۰۰ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. چهارچوب نظری تحقیق نیز مبتنی بر سه نظریه پیوند اجتماعی، یادگیری اجتماعی، و برچسب‌زنی است. بر اساس یافته‌های پژوهش، متغیر باور در میان دانش‌آموزان پسر بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی بزهکاری را داشته است. در صورتی که در میان دانش‌آموزان دختر، پیوند افتراقی بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی بزهکاری را داراست. این یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که متغیر باور مهم‌ترین متغیری است که به طور معناداری قادر به تبیین و پیش‌بینی تغییرات بعد تخریب اموال، سرقت، تخلفات منزلتی، و مصرف مواد است. در مورد بعد خشونت نیز، متغیر پیوند افتراقی نسبت به سایر متغیرها از قدرت پیش‌بینی بیشتری برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: بزهکاری دانش‌آموزان، خانواده، گروه همالان، مدرسه.

* دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) aliverdinia@umz.ac.ir

** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران simin_setareh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۱۴

۱. مقدمه

بزهکاری (delinquency) عمومی‌ترین اصطلاح برای رفتار مجرمانه نوجوانان و شامل رفتارهایی است که برای افراد بالغ جرم تلقی می‌شود. رفتارهایی مانند مصرف مواد و تخلفات خشونت‌بار علیه اشخاص (مثل تجاوز)، اموال و دارایی‌ها (مثل خراب‌کاری و آتش‌زنی)، و نظم عمومی. در راستای تخلفات مجرمانه، مجرمان نابالغ در معرض تخلفات منزلتی (status offences) مانند پرسه‌زنی و فرار کردن قرار دارند (Marte, 2008: 2). بزهکاری نوجوانان از دو جنبه در زمره مسائل مهم اجتماعی جامعه ایران به‌شمار می‌رود: اولاً بزهکاری در نوجوانی احتمال رفتار مجرمانه را در دوران بزرگسالی افزایش می‌دهد و ثانیاً، بر اساس داده‌های خودگزارشی از نوجوانان، سطح واقعی بزهکاری نوجوانان حتی از آمارهای مربوط به دستگیری‌های رسمی نیز بیشتر است (Church et al., 2012; Deutsch et al., 2012).

برای فهم بهتر بزهکاری نوجوانان، لازم است درک کامل‌تری از چگونگی روند جامعه‌پذیری داشته باشیم (Buckner, 2009: 9). جامعه‌پذیری فرایندی است که به واسطه آن مردم باورهای مسلط، ارزش‌ها، انگیزه‌ها، و رفتارهای فرهنگ خود را کسب می‌کنند و به تدریج بیشتر به دیگر اعضای گروه فرهنگی، قومی، یا مذهبی خویش شبیه می‌شوند (Gupta and Krishnan, 2004: 8). خانواده، همالان، و مدارس تأثیرات اولیه را در جامعه‌پذیری نوجوانان می‌گذارند. از این‌رو، کوتاهی و اهمال این نظام‌ها در جریان جامعه‌پذیری مناسب ممکن است به تخلف از هنجارها منجر شود (Buckner, 2009: 9). والدین نقش مهمی در موضع‌گیری جوانان نسبت به برقراری روابط سالم با همالان و تقویت ارتباطات مثبت در مدرسه دارند (Le et al., 2005: 214-215). مطالعات انجام‌گرفته نشان می‌دهد که ابعاد خاصی از رفتار والدین می‌تواند میزان ریسک نوجوانان را برای مبادرت به بزهکاری افزایش یا کاهش دهد. سوء مدیریت والدین نظیر نداشتن نظارت بر فرزندان، کوتاهی در تربیت، فقدان حمایت عاطفی، و فقدان پذیرش نسبت به فرزندان از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار بزهکارانه و ضد اجتماعی به‌شمار می‌روند (Stewart et al., 2002). علاوه بر این، تحقیقات درباره بزهکاری نوجوانان به طور کلی بر عوامل مرتبط با مدرسه نظیر موفقیت تحصیلی، انگیزه علمی، نارسایی مدرسه، و توجه اندک به ارتباط نوجوانان با معلمان و دانش‌آموزان دیگر در مدرسه تأکید دارند (Dornbusch et al., 2001: 398). هم‌اکنون روابط با همالان نیز به کانون مطالعه بزهکاری تبدیل شده است؛ زیرا نوجوانان

بیشتر اوقات خود را با دوستانشان می‌گذرانند، اهمیت بیشتری به آن‌ها می‌دهند، و در طول این مدت - نسبت به هر زمان دیگری در مسیر زندگی - بیشتر از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند (Haynie and Osgood, 2005: 1110). همالان در باورها، نگرش‌ها، و رفتار نوجوانان درباره آن‌چه مناسب یا نامناسب است تأثیر می‌گذارند. مروری جامع بر تحقیقات پیشین، همالان بزهکار را به عنوان قوی‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده بزهکاری تشخیص داد (Le et al., 2005: 195). بدین ترتیب خانواده، مدرسه، و گروه همالان در عین نقش‌آفرینی مستقل در بروز بزهکاری؛ با تأثیرگذاری و تعامل با یک‌دیگر نیز باعث بروز رفتارهای بزهکارانه می‌شوند. این مطالعه در پی بررسی و تبیین رفتارهای بزهکارانه و عوامل مؤثر در آن از دیدگاه سه نظریه پیوند اجتماعی (social bonding theory)، یادگیری اجتماعی (social learning theory)، و برچسب‌زنی (labeling theory) در میان دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان‌های ناحیه ۵ شهر مشهد است.

۲. پیشینه تجربی پژوهش

پژوهش‌های داخلی درباره بزهکاری دانش‌آموزان غالباً با روش پیمایشی انجام شده است و جمعیت مورد مطالعه این تحقیقات نیز عمدتاً دانش‌آموزان دبیرستانی بوده‌اند. یافته‌های این تحقیقات حاکی از وجود رابطه معنادار میان پیوستگی به خانواده، مدرسه، و همالان؛ التزام به خانواده و مدرسه؛ باور و مشغولیت؛ معاشرت با دوستان بزهکار؛ و سرمایه اجتماعی درون خانواده با بزهکاری دانش‌آموزان بوده است. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، به نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی با استفاده از یک چهارچوب نظری ترکیبی شامل نظریه‌های پیوند اجتماعی هیرشی (Hirschi)، یادگیری اجتماعی ایکرز (Akers)، و نظریه برچسب‌زنی صورت نگرفته است. از جمله پژوهش‌های انجام‌شده در داخل کشور؛ که با استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناختی جرم‌شناسی به بررسی نقش خانواده، مدرسه، و گروه همالان در بزهکاری دانش‌آموزان پرداخته‌اند؛ می‌توان به پژوهش مهدوی و عباسی اسفنجیر (۱۳۸۷)، شهبازی (۱۳۸۸)، حسینی و یکه‌کار (۱۳۹۰)، و علیوردی‌نیا و حیدری (۱۳۹۱) اشاره کرد. جامعه آماری تحقیق بسیاری از تحقیقات خارجی شامل نمونه‌های ملی و بزرگ‌مقیاس‌اند و چهارچوب نظری مورد استفاده نیز طیف متنوعی از نظریه‌های جرم‌شناختی را دربرمی‌گیرد. در مواردی نیز چهارچوب نظری تحقیق به صورت ترکیبی است. جامعه آماری مورد بررسی در بسیاری از این تحقیقات، همانند تحقیقات داخلی، دانش‌آموزان هستند با این تفاوت که

این مطالعات فقط به دوره متوسطه محدود نمی‌شوند و دوره‌های دیگر تحصیلی را نیز دربرمی‌گیرند. نتایج یافته‌ها در تحقیقات خارجی همانند تحقیقات داخلی نشان می‌دهد که در اکثر موارد، عناصر پیوند اجتماعی با بزهکاری دانش‌آموزان رابطه معکوس دارد و نوعاً پیوستگی به والدین از اهمیت بیشتری برخوردار است. در بسیاری از تحقیقات خارجی، به طور مستقیم به موضوع رابطه بین پیوستگی به خانواده، مدرسه، و بزهکاری پرداخته شده است، در حالی که در تحقیقات داخلی پیوستگی به مدرسه کمتر بررسی شده است. همچنین بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، نقش همالان در رفتارهای بزهکارانه دانش‌آموزان به عنوان قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده بزهکاری گزارش شده است. در تحقیقات انجام‌شده از دیدگاه نظریه برجسب‌زنی نیز بزهکاری ثانویه بیشتر ناشی از برجسب‌زنی غیر رسمی (ارزیابی خانواده، دوستان، و مدرسه از فرد) است تا برجسب‌زنی رسمی (ارزیابی پلیس و نظام قضایی). همچنین در پژوهش‌های خارجی، بر خلاف تحقیقات داخلی، متغیر جنسیت نیز بسیار مورد توجه بوده است و برای تبیین تفاوت‌های جنسیتی در بزهکاری از نظریه‌های جرم‌شناختی، که بدون توجه به جنسیت و فاقد تعمیم‌پذیری جنسیتی‌اند، استفاده نشده است. در تحقیقی با عنوان «بزهکاری همالان و حمایت اجتماعی والدین به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های بزهکاری نوجوانان امریکایی آسیایی تبار»، پیش‌بینی‌کننده‌های بزهکاری در میان نوجوانان امریکایی آسیایی تبار مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که در رفتار بزهکارانه فقط بزهکاری همالان سهم معناداری دارد؛ یعنی هر قدر میزان بزهکاری همالان بیشتر باشد، شیوع رفتار بزهکارانه بیشتر می‌شود (Kim and Goto, 2000). در مطالعه‌ای با عنوان «رابطه پیوستگی به خانواده و مدرسه با بزهکاری نوجوانان در میان اجتماعات و گروه‌های مختلف»، متغیر پیوستگی به خانواده و مدرسه در مورد پنج شکل از بزهکاری در میان نوجوانان بررسی شده است. این رفتارهای بزهکارانه شامل مصرف سیگار، الکل، ماری‌جوآنا، و رفتارهای خشونت‌آمیز است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که به طور کلی پیوستگی نوجوانان به خانواده و مدرسه، تمایل آن‌ها را به اشکال پنج‌گانه مذکور (بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، جنسیت، یا گروه قومی) در هر سه بعد فراوانی، درجه انتشار، و شدت بزهکاری کاهش می‌دهد (Dornbusch et al., 2001). یافته‌های مطالعه‌ای با عنوان «شبهه‌های دوستی و بزهکاری: ماهیت نسبی بزهکاری همالان»، که با هدف کشف رابطه همالان - بزهکاری صورت گرفت، حاکی از همخوانی ارتباط با همالان بزهکار برای شرکت مجدد فرد در بزهکاری با تبیین‌های پیوند افتراقی و یادگیری اجتماعی است که ادعا

می‌کنند نوجوانان از الگوهای معنادار دیگران پیروی می‌کنند. رفتارهای گروه همالان عامل بسیار مهمی برای شرکت در بزهکاری است و نسبت همالان بزهکار در شبکه‌های دوستی با بزهکاری در آینده رابطه‌ای بسیار قوی دارد (Haynie, 2002).

پژوهشگران در پژوهشی با عنوان «برچسب‌زنی و بزهکاری»، فرایند برچسب‌های دریافت‌شده را بررسی کردند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، برچسب‌زنی معلم و همالان تنها پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار بزهکاری عمومی و خطرناک بوده‌اند. همچنین این پژوهش بر لزوم تحقیق بیشتر درباره‌ی تأثیر برچسب‌زنی غیر رسمی تأکید می‌کند و به طور خلاصه، یافته‌های آن تأییدی کلی برای نظریه‌ی برچسب‌زنی ارائه می‌دهد (Adams et al., 2003).

تحقیقی با عنوان «برچسب‌زنی، فرصت‌های زندگی، و بزهکاری عمده: اثرات مستقیم و غیر مستقیم مداخله‌ی رسمی در مورد جرم نوجوانان در اوایل بزرگ‌سالی» از جمله کارهای انجام‌شده در این زمینه است. این پژوهش تأییدی قابل توجه برای نظریه‌ی برچسب‌زنی ارائه می‌دهد. بر این اساس، مداخله‌ی رسمی تأثیر مثبت و معناداری روی جوانان در مورد ارتکاب جرم در اوایل بزرگ‌سالی دارد. البته این تأثیر تا اندازه‌ای به واسطه‌ی فرصت‌های زندگی مانند موفقیت تحصیلی و اشتغال تعدیل شده است. تحصیلات، با کاهش فرصت‌های برچسب‌زنی از سوی مدرسه، روی مداخله‌ی رسمی تأثیر می‌گذارد. در واقع، تحصیلات اثر مستقیمی در اشتغال دارد و در درازمدت تأثیر مداخله‌ی رسمی را در بزهکاری بزرگ‌سالان کنترل می‌کند. یافته‌ها مؤید این فرضیه‌اند که مداخله‌ی رسمی در طول نوجوانی روی درگیری‌های مجرمانه در اوایل بزرگ‌سالی تأثیرگذار است. همان‌طور که مداخله‌ی پلیس و نظام قضایی تأثیر مستقیمی در بزهکاری بزرگ‌سالان دارد، اثر مستقیمی نیز روی ارتکاب جرم در آینده می‌گذارد (Bernburg and Krohn, 2003).

در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر خودکنترلی (self-control) و پیوندهای اجتماعی در بزهکاری نوجوانان در یک نمونه ملی»، اثر خودکنترلی و پیوندهای اجتماعی روی رفتار بزهکارانه مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این مطالعه نشان داد که همه‌ی مؤلفه‌های پیوند اجتماعی، به استثنای التزام، تأثیر منفی و معناداری در جرم دارند (Li, 2004). در تحقیقی دیگر، با عنوان «جنسیت، پیوند اجتماعی، و بزهکاری: مقایسه‌ی مدل پسران و دختران»، پیوند اجتماعی و تفاوت‌های ساختاری بین پیوند اجتماعی و بزهکاری بررسی شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که همه‌ی مؤلفه‌های پیوند اجتماعی دارای همبستگی منفی معناداری با بزهکاری هستند. نتایج این تحقیق نشان داد که متغیر جنسیت سنجش هیچ‌یک از مؤلفه‌های پیوند

اجتماعی را تعدیل نمی‌کند و مؤلفه‌های پیوند اجتماعی برای هر دو جنس یکسان عمل می‌کند (Chapple et al., 2005). دو محقق دیگر، با استفاده از نظریه پیوند اجتماعی، پژوهشی را با عنوان «آزمون نظریه پیوند اجتماعی هیرشی: مقایسه بزهکاری در میان مردان و زنان» انجام دادند که هدف آن شناسایی متغیرهایی بود که بتواند بزهکاری زنان و مردان را در جامعه در حال توسعه ترکیه به صورت مساوی تبیین کند. یافته‌های این تحقیق نشان داد در صورت بالابودن میزان پیوند اجتماعی، احتمال کمتری وجود دارد که دختران و نیز پسران مرتکب رفتار بزهکارانه شوند. در مورد مردان التزام به مدرسه، نظارت خانوادگی، باور، و پیوستگی به دوستان بزهکار و در مورد زنان احترام به پلیس، نظارت خانوادگی، باور، و پیوستگی به دوستان بزهکار از مهم‌ترین متغیرها بوده‌اند (Ozbay and Ozcan, 2008).

۳. چهارچوب نظری

۱.۳ نظریه پیوند اجتماعی

سؤال اکثر نظریه‌ها درباره این است که چرا مردم مرتکب جرم می‌شوند، اما نظریه هیرشی متفاوت از آن‌هاست و این سؤال را مطرح می‌کند که چرا مردم مرتکب جرم نمی‌شوند؟ در این نظریه فرض بر این است که افراد ذاتاً به سوی انحراف تحریک و مرتکب آن می‌شوند، مگر این‌که با پیوندی قوی نسبت به جامعه مهار شوند. این نظریه تأکید می‌کند که افراد، در صورت فقدان پیوند اجتماعی در زندگی، منحرف خواهند شد. فرض اصلی نظریه پیوند اجتماعی این است که رفتار بزهکارانه زمانی اتفاق می‌افتد که پیوند فرد با جامعه قطع یا تضعیف شود. مفاهیم کلیدی نظریه پیوند اجتماعی شامل چهار مؤلفه عمده است: ۱. پیوستگی (attachment) به والدین، معلمان، و همالان؛ ۲. التزام (commitment) به انواع کنش متعارف (تحصیل)؛ ۳. مشغولیت (involvement) در کنش‌های متعارف (مثلاً فعالیت‌های ورزشی)؛ ۴. باور (belief) به اهمیت هنجارهای اخلاقی (Ozbay and Ozcan, 2008: 137). پیوستگی شامل علاقه، احترام، و محبت در میان جوانان و دیگران مهم (خانواده، همالان، سازمان مذهبی، و ...) است (Alromaih, 1993; Menasco, 2005). هیرشی استدلال می‌کند که پیوستگی یا به بیان دقیق‌تر روابط عاطفی‌ای که فرد از سوی والدین، همالان، و مدرسه احساس می‌کند؛ رابطه معکوسی با بزهکاری دارد. توسعه پیوند اجتماعی قوی به جامعه نشان‌دهنده درونی‌کردن هنجارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه از سوی فرد است. کسانی

که پیوند قوی با جامعه دارند، کمتر به انحراف از هنجارها تمایل دارند؛ چرا که این هنجارها را درونی کرده‌اند (Menasco, 2005: 16-17). عنصر التزام جزء منطقی پیوند به جامعه است. التزام نشانگر زمان و انرژی صرف‌شده یک فرد برای کسب پاداش‌های مرسوم جامعه است (Buckner, 2009: 27). هیرشی اظهار می‌کند احتمال ارتکاب رفتار بزهکارانه از سوی شخصی که زمان و انرژی خود را صرف فعالیت مشخصی می‌کند (صحبت کردن، یادگیری، کسب‌وکار، کسب شهرت)، کمتر است چرا که وی حاضر نیست ارزش، موقعیت‌های اجتماعی، و شهرت خود را از دست بدهد (Van Gundy-Yuder, 2007: 20). مشغولیت به معنای میزان زمان سپری‌شده در فعالیت‌های متعارف است. به عبارت دیگر، فردی با فعالیت زیاد فرصت شرکت در بزهکاری را نخواهد داشت. به عبارت دیگر، جذب‌شدن هرچه بیشتر فرد به فعالیت‌ها نه تنها مانع عملی کردن تمایلات، حتی مانع فکر کردن به اعمال انحرافی می‌شود. مؤلفه چهارم نظریه پیوند اجتماعی عبارت است از باور به ارزش‌ها و هنجارهای مرسوم جامعه و منظور از باور التزام به نظام ارزشی جامعه است. در نظریه کنترل فرض بر این است که جامعه یا گروه نظام ارزشی مشترکی دارند. شخص در گروه اجتماعی شده است و لذا به قوانین گروه معتقد است (Parlier, 2009: 14-15). کسانی که اعتقادات محکمی به ارزش‌های مرسوم جامعه ندارند، از پیوند آزادند و در نتیجه احتمال ارتکاب به فعالیت‌های انحرافی در مورد آنان بیشتر است (Krohn and Massey, 1980: 531).

۲.۳ نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی ایگرز، یادگیری را در ارتباط با پیامدهای رفتار می‌داند. از دیدگاه این نظریه رفتار بزهکارانه نیز، مانند همه رفتارها، نتیجه محرک‌ها یا واکنش‌های دیگران نسبت به آن رفتار است. بر مبنای بسط این نظر، افراد رفتار اجتماعی را از طریق شرطی شدن یا الگوگیری (conditioning or modeling) مستقیم از رفتار دیگران یاد می‌گیرند. همچنین رفتار از طریق پاداش یا تقویت مثبت تقویت و در صورت فقدان پاداش (مجازات منفی) یا مجازات واقعی (مجازات مثبت یا صریح) تضعیف می‌شود. از این رو، تقویت رفتار فرد منجر به تکرار آن رفتار خواهد شد و این بدان معناست که آن رفتار یاد گرفته شده است. به همین ترتیب اگر فرد بعد از یک رفتار معین تنبیه شود، یاد می‌گیرد که از تکرار آن اجتناب کند. بنابراین اگر به جای تنبیه کردن افراد منحرف به آنان پاداش داده شود و انحرافشان مورد تشویق قرار گیرد، به طور مداوم دست به اعمال انحرافی می‌زنند. تکرار و شدت پیامد یک

رفتار، وقوع پیامد بعد از رفتار، و زمان وقوع پیامد؛ یعنی اینکه بلافاصله بعد از رفتار یا با تأخیر باشد، از جمله عوامل تأثیرگذار در رفتار هستند. بنابراین فرد با اشکال متنوعی از رفتار روبه‌روست و لذا برخی از اشکال رفتار بر اشکال دیگر، به علت بازخورد اجتماعی آن رفتار (تقویت یا تنبیه)، ترجیح داده خواهد شد (علی‌وردی‌نیا و حیدری، ۱۳۹۱).

نظریهٔ ایکرز بر چهار مفهوم اصلی متمرکز است: پیوند افتراقی (differential association)، تعاریف (definitions)، تقویت افتراقی (differential reinforcement)، و تقلید (imitation). اما در این پژوهش فقط به تشریح مفاهیم پیوند افتراقی و تقویت افتراقی، به عنوان متغیرهای مورد استفاده در آن، پرداخته می‌شود. یادگیری اجتماعی ابتدا طی فرایند پیوند افتراقی رخ می‌دهد (Lee, 1998: 35-36). پیوند افتراقی در نظریهٔ یادگیری اجتماعی ایکرز نقشی کلیدی ایفا می‌کند. اگرچه پیوند افتراقی به همهٔ گروه‌های مرجع مختلف اشاره می‌کند که تأثیر مستقیم یا غیر مستقیمی روی فرد اعمال می‌کنند، اما تأکید بیشتر آن روی گروه‌های دوستان - همالان و خانواده است. این گروه‌های نخستین زمینه‌های مهم اجتماعی را فراهم می‌کنند که در آن همهٔ متغیرهای یادگیری اجتماعی، به عنوان بخشی از فرایندهای یادگیری، عمل می‌کنند. همچنین تحقیقات تجربی نشان می‌دهد روابط همالان برای تبیین بزهکاری به مراتب مفیدتر از تأثیر خانواده است (Foglia, 1996: 18). از این دیدگاه، بزهکاری از طریق کنش متقابل با دیگران خودمانی و آموخته می‌شود. هنگامی که بیشتر این کنش‌ها متوجه رفتار انحرافی باشد، جوان به سمت چنین رفتارهایی تمایل پیدا می‌کند. بدین سان، نظریهٔ یادگیری اجتماعی ادعا می‌کند که نوجوانان از طریق تعامل و پذیرش نگرش مطلوب نسبت به جرم، درگیر شدن در رفتارهای مجرمانه را فرا می‌گیرند. بر اساس این دیدگاه احتمال بزهکار شدن جوانانی که دوستان بزهکار دارند، بیشتر است (Ingram et al., 2007: 383). شرطی شدن کنشگر، از مکانیزم‌های اولیهٔ یادگیری و شکل‌دهندهٔ رفتارها از طریق پیامدهای آن است. تقویت افتراقی یعنی میزان پاداش‌ها و تنبیهاتی که فرد، به علت رفتارهایی که از او سر زده است، با آن‌ها مواجه می‌شود. این تقویت‌کننده‌ها، که می‌توانند غیر اجتماعی یا اجتماعی و نیز رسمی یا غیر رسمی باشند، تعیین‌کنندهٔ رفتار منحرفانه یا هم‌نوایانهٔ فرد خواهند بود (Foglia, 1996: 17). تقویت مثبت در قالب پاداش‌ها رخ می‌دهد مثلاً کلمات موافقت‌آمیز، پول، یا احساسات خوشایند که احتمال وقوع یا تکرار یک کنش را افزایش می‌دهد. همچنین وقتی شخص از پیامدهای ناخوشایند اجتناب می‌کند، احتمال وقوع یا تکرار یک کنش از طریق تقویت منفی افزایش می‌یابد (Zhang, 2004: 48-49).

۳.۳ نظریه برچسب‌زنی

بر اساس یکی از مهم‌ترین فرضیات نظریه برچسب‌زنی، کج‌روی اولیه به سبب عوامل مختلفی روی می‌دهد. البته نقش این عوامل در پیریزی کج‌روی‌های آتی در مقایسه با عنصر اصلی در تکرار کج‌روی؛ یعنی برچسب‌خوردگی دارای اهمیت کمتری است. این ادعا با ایده دیگری همراه می‌شود که بر اساس آن فرضیه سومی تولید می‌شود. بر پایه این فرضیه، کج‌روی تحت تأثیر برچسب‌زنی قرار دارد. برچسب‌زنی تصویر فرد از خود را دگرگون می‌کند و شخص را به نقطه‌ای می‌رساند که خویش را به عنوان انسانی کج‌رو باز شناسد و کنش‌های خود را نیز بر این اساس هدایت کند. از این‌رو، در نظریه برچسب‌زنی، تصویر منفی یا بزهکارانه فرد از خویش می‌تواند رفتار کج‌روانه را به دنبال داشته باشد. بنابر فرضیه چهارم نظریه برچسب‌زنی، فرایند برچسب‌زنی خود متأثر از سن، جنسیت، نژاد، طبقه اجتماعی، و بسیاری از مؤلفه‌های اجتماعی دیگر است. دو مفهوم اصلی در نظریه برچسب‌زنی وجود دارد که فهم آن‌ها می‌تواند به درک بهتر این نظریه کمک شایانی کند (Brown et al., 2010: 323).

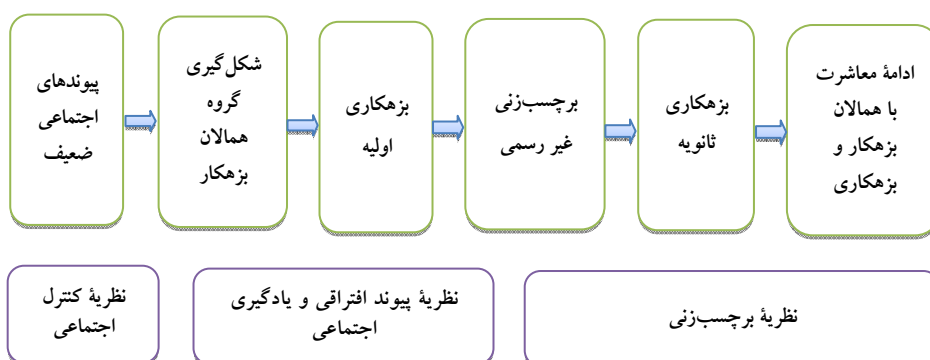
نظریه برچسب‌زنی از نظریه کنش متقابل نمادین نشئت گرفته است. این نظریه یک مکتب فکری است که رفتار انسانی را محصول نمادهای اجتماعی نابی می‌داند که بین انسان‌ها ارتباط برقرار کرده است (Barrick, 2007: 5). بر اساس دیدگاه کنش متقابل نمادین، افراد مطابق با چگونگی تعریف دیگران از نظم اجتماعی و نقش آن‌ها در نظم اجتماعی رفتار می‌کنند (Hirschfield, 2008: 577). بر اساس نظر بکر (Becker)، برچسب‌ها حاصل فرایندهای کنش متقابل و واکنش بین جرم ارتكابی و دیگر اعضای جامعه هستند. به بیان دیگر، این عمل مجرمانه اولیه نیست که منحرف را دوباره به سوی ارتكاب جرم سوق می‌دهد، بلکه این امر بیشتر ناشی از واکنش جامعه نسبت به رفتار اوست. این برچسب‌زنی منفی به لحاظ اجتماعی دوباره فرد متخلف را تعریف می‌کند (Kennedy, 2010: 53-54).

نظریه برچسب‌زنی استدلال می‌کند که فعالیت‌های اولیه بزهکاری به طور نسبی نمونه‌های بی‌خطر بزهکاری هستند. از نگاه کودک، چنین اعمالی به عنوان «بازی» یا «شیطنت» تلقی می‌شوند. در حالی که از نگاه اجتماع بزرگ‌تر، به عنوان «شرارت» یا «نقض قانون» تعبیر می‌شوند. این واکنش اجتماع، به عنوان «بد» یا «شور» است که در خودپنداره فرد متخلف تأثیر می‌گذارد و موجب می‌شود که وی خود را بد یا بزهکار بیندارد و این تلقی به نوبه خود موجب افزایش احتمال انحراف در آینده خواهد شد. درنهایت، فرایند مارپیچی برچسب‌زنی ممکن است فرد متخلف را در اختیار مقامات قضایی قرار دهد

(Matsueda, 1992: 1588). از این‌رو، انحراف ثانویه زمانی روی می‌دهد که کودک هویت یک منحرف را دریافت کرده باشد. او خود را به عنوان یک فرد منحرف می‌بیند و مبادرت به رفتار بزهکارانه را ادامه می‌دهد (Barrick, 2007: 7). فرایند برچسب‌زنی می‌تواند رسمی و یا غیر رسمی باشد. برچسب‌زنی رسمی معمولاً شامل آن برچسب‌هایی می‌شود که نمایندگان نظام قضایی جنایی (پلیس توقیف‌کننده متخلفان و مقامات نظام قضایی نوجوانان) به نوجوانان نسبت می‌دهند. در حالی که برچسب‌زنی غیر رسمی را والدین، معلمان، و همالان انجام می‌دهند (Hayes, 1997; Adams et al., 2003: 171).

۴.۳ ترکیب سه نظریه پیوند اجتماعی، یادگیری اجتماعی، و برچسب‌زنی

مطالعات نشان می‌دهند که چگونه فرایند برچسب‌زنی ممکن است پیوندهای اجتماعی را تضعیف کند و موجب مشارکت افراد در رفتارهای مجرمانه شود. همچنین مشخص شده است که چگونه داشتن پیوند اجتماعی ضعیف با جامعه فرصت‌ها را برای بزهکاری اولیه افزایش می‌دهد که در نهایت یا به اصلاح (سروسامان دادن به مجرمان برای برگشت به جامعه) یا به برچسب‌زنی (طرد مجرمان از اجتماع) و انحراف بیشتر منجر می‌شود. با توجه به نظرات بریت ویت (Braithwaite, 1989) روابط تیره والدین و فرزندان منجر به گسترش روابط همالان بزهکار و افزایش فرصت برای بزهکاری اولیه، برچسب‌زنی غیر رسمی، و بزهکاری ثانویه (آینده) می‌شود. زدن برچسب «منحرف» به کنشگر نیز از عواملی است که ممکن است پیوندهای اجتماعی به جامعه متعارف را تضعیف کند و در نتیجه موجب رفتارهای انحرافی کنشگر شود (Hayes, 1997: 166).



شکل ۱. مدل فرایند بزهکاری (Hayes, 1997)

۵.۳ فرضیات پژوهش

۱. بزهکاری تابعی منفی از پیوستگی (به خانواده و مدرسه) است؛
۲. بزهکاری تابعی منفی از التزام (به خانواده و مدرسه) است؛
۳. بزهکاری تابعی منفی از باور است؛
۴. بزهکاری تابعی مثبت از پیوند افتراقی است؛
۵. بزهکاری تابعی مثبت از عکس‌العمل دیگران مهم (والدین، معلمان، و همالان) است؛
۶. بزهکاری تابعی منفی از بازدارندگی دیگران مهم (والدین، معلمان، و همالان) است؛
۷. بزهکاری تابعی مثبت از ارزیابی منفی دیگران مهم (والدین، معلمان، و همالان) است.

۴. روش‌شناسی

این پژوهش از نوع مقطعی است که به روش پیمایشی و با تکنیک پرسش‌نامه خوداجرا انجام گرفته است. روش نمونه‌گیری آن از نوع نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب و نمونه آماری آن شامل ۴۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر در ناحیه ۵ شهر مشهد است که در پایه سوم دبیرستان‌های دولتی و غیر دولتی در سال تحصیلی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ مشغول به تحصیل بوده‌اند. در این تحقیق، جنسیت دانش‌آموزان مختلف به عنوان طبقه در نظر گرفته شده و سعی بر آن بوده است تا با توجه به حجم هر یک از طبقات (دختران و پسران)، حجم نمونه به تناسب در بین آن‌ها توزیع شود. با توجه به برآورد دواس (De Vaus) از حجم نمونه، از طریق برخی از ویژگی‌ها مثل همگنی جمعیت و میزان خطای نمونه‌گیری (۱:۳۸۱:۹۷)، نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ نفر برای جمع‌آوری اطلاعات مناسب تشخیص داده شد. بنابراین، نمونه آماری این تحقیق به صورت نمونه‌گیری تصادفی با خطای ۵ درصد برابر ۴۰۰ نفر بوده است. از این میان، با توجه به تعداد طبقات (دختران و پسران دانش‌آموز)، از ۲۱۴ نفر از پسران و ۱۸۶ نفر از دختران پرسش‌نامه عمل آمد. علاوه بر این، متغیرهایی که دارای ابعاد بودند و تعداد گویه‌های ابعاد آن‌ها با هم برابر نبود نیز هم‌ارز شدند. همچنین برای سنجش اعتبار مقیاس‌های استفاده‌شده، از اعتبار محتوا و برای سنجش پایایی مقیاس‌های مورد استفاده نیز از آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. کلیه عملیات اجرایی تحقیق نیز با استفاده از نرم‌افزار آماری علوم اجتماعی (SPSS) به‌انجام رسید و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز، با توجه به سطح سنجش متغیرهای مورد بررسی، از رگرسیون چندگانه (multiple) استفاده شد.

۱.۴ تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها

بزهکاری: برای سنجش و اندازه‌گیری مفهوم بزهکاری، به عنوان متغیر وابسته، ۵ بعد تعریف شد که عبارت بودند از: ۱. تخریب اموال، ۲. قلدری و خشونت، ۳. سرقت، ۴. تخلفات منزلتی، ۵. مصرف مواد. تدوین گویه‌های بزهکاری نیز بر اساس تحقیقات تجربی پیشین صورت گرفت (علی‌وردی‌نیا و حیدری، ۱۳۹۱؛ علی‌وردی‌نیا و دیگران، ۱۳۸۷؛ مهدوی و عباسی اسفنجیر، ۱۳۸۷؛ Demuth and Brown, 2004; Ozbay and Ozcan, 2008; Petts, 2009). مقیاس بزهکاری شامل ۱۷ گویه بود و برای پاسخ به گویه‌ها از یک طیف پنج‌تایی بر اساس طیف لیکرت (کاملاً موافق، موافق، بی‌نظر، مخالف، کاملاً مخالف) استفاده و ضریب آلفای کرونباخ نیز ۰/۹۱ برآورد شد.

جدول ۱: ابعاد و معرف‌های بزهکاری (متغیر وابسته)

ابعاد	معرف
۱. تخریب اموال	۱. نوشتن روی در، دیوار، و میز و صندلی مدرسه؛ ۲. آسیب‌زدن یا شکستن وسایل مدرسه؛ ۳. نوشتن و نقاشی کردن روی در و دیوار منازل؛ ۴. یادگاری‌نوشتن و آسیب‌زدن به صندلی اتوبوس؛ ۵. آسیب‌زدن به وسایل و امکانات پارک‌ها.
۲. قلدری و خشونت	۱. شرکت در درگیری و نزاع؛ ۲. تهدید و ترساندن دیگران.
۳. سرقت	۱. برداشتن پول از منزل بدون اجازه پدر و مادر؛ ۲. برداشتن وسایل دوستان بدون اجازه آن‌ها؛ ۳. برداشتن چیزی از فروشگاه بدون پرداخت هزینه آن.
۴. تخلفات منزلتی	۱. فرار از مدرسه؛ ۲. تقلب در امتحانات درسی؛ ۳. فرار از منزل؛ ۴. بیرون‌ماندن از منزل به مدت یک شب یا بیشتر بدون اطلاع و اجازه والدین؛ ۵. سیگارکشیدن.
۵. مصرف مواد	۱. مصرف الکل؛ ۲. مصرف مواد مخدر.

پیوستگی: این متغیر دارای دو بعد پیوستگی به خانواده و پیوستگی به مدرسه است. در سنجش بعد پیوستگی به خانواده از معرف‌هایی نظیر درک احساسات از طرف خانواده، کمک والدین برای شناخت بهتر خود، و همانندی با والدین استفاده شد. سنجش این بعد بر اساس تحقیقات پیشین (Huebner and Betts, 2002; Van (Bernburg and Thorlindsson, 1999; Pasma, 2008; Ozbay and Ozcan, 2008) Gundy-Yuder, 2007; Longshore et al., 2004; انجام گرفته است. برای سنجش بعد پیوستگی به مدرسه نیز از معرف‌هایی چون علاقه به مدرسه، توجه در مدرسه، احساس تعلق به مدرسه، توجه معلمان، و داشتن حس منفی نسبت به مدرسه استفاده شد. سنجش این بعد نیز بر اساس تحقیقات پیشین (Agnew, 1991; Le et al., 2005; Van Gundy-Yuder, 2007; Ozbay and Ozcan, 2008;) انجام گرفته است. برای سنجش متغیر پیوستگی از ۲۳ گویه استفاده و ضریب آلفای کرونباخ آن نیز ۰/۸۴ برآورد شد.

التزام: متغیر التزام نیز دارای دو بعد التزام به خانواده و التزام تحصیلی بود که با یک مقیاس ۱۱ گویه‌ای سنجیده شد و در آن از معرف‌هایی نظیر اهمیت داشتن خانواده، اهمیت کسب نمره خوب، اهمیت حضور در مدرسه، و علاقه‌مندی برای رفتن به دانشگاه استفاده شد. برای پاسخ به گویه‌ها نیز یک طیف پنج‌تایی، بر اساس طیف لیکرت، به کار برده شد. این بعد نیز با تکیه بر تحقیقات پیشین (Payne et al., 2008; Le Ozbay and Ozcan, 2008;) (et al., 2005; Jenckins, 1997; Hawdon, 1999; Cretacci, 2003) آلفای کرونباخ آن نیز ۰/۸۱ برآورد شد.

باور: متغیر باور با یک مقیاس ۸ جمله‌ای و با معرف‌هایی نظیر احترام به حقوق دیگران و تطبیق با قوانین مدرسه اندازه‌گیری شد. شاخص‌سازی این بعد مبتنی بر پژوهش‌های پیشین (Payne, 2008; Shechory and Laufer, 2008; Hawdon, 1999; Buckner, 2009) انجام گرفته است. ضریب آلفای کرونباخ این متغیر نیز ۰/۷۳ برآورد شد.

پیوند افتراقی: متغیر پیوند افتراقی شامل ۴ بعد فراوانی، شدت، اولویت، و مدت است که در این پژوهش با یک مقیاس ۳ جمله‌ای سنجیده و ضریب آلفای کرونباخ آن نیز ۰/۸۸ برآورد شد.

عکس‌العمل دیگران مهم (reaction of significant others): این متغیر شامل سه مؤلفه عکس‌العمل والدین، عکس‌العمل همالان، و عکس‌العمل مسئولان و معلمان مدرسه می‌شود که با سنجش نظر پاسخ‌گو نسبت به عکس‌العمل دیگران مهم نسبت به انواع

رفتارهای بزهکارانه اندازه‌گیری شد. این متغیر با سه خرده‌مقیاس پنج‌جمله‌ای برای هریک از ابعاد عکس‌العمل دیگران مهم (والدین، همالان، و مدرسه) و با گزینه‌هایی چون تأیید رفتار، تنبیه، سرزنش و بی‌تفاوتی نسبت به تعهدگرفتن و کم‌کردن نمره انضباط، تذکر دادن به والدین، و نصیحت کردن و با ۲۱ گویه اندازه‌گیری (علی‌وردی‌نیا و حیدری، ۱۳۹۱) و ضریب آلفای کرونباخ آن نیز ۰/۸۱ برآورد شد.

بازدارندگی دیگران مهم (deterrence of significant others): بازدارندگی شامل ۳ بعد شدت، قطعیت، و سرعت می‌شود، اما در این پژوهش فقط بعد قطعیت بررسی شد. برای این متغیر از معرف‌های احتمال گیرافتادن به دست والدین، احتمال گیرافتادن از سوی مدرسه، و احتمال گیرافتادن به دست دوستان با تدوین ۲۱ گویه استفاده (همان) و ضریب آلفای کرونباخ آن نیز ۰/۹۴ برآورد شد.

ارزیابی منفی دیگران مهم (negative evaluation of significant others): متغیر شدت برجسب، برگرفته از نظریه برجسب‌زنی، شامل دو بعد رسمی و غیر رسمی می‌شود که در پژوهش حاضر فقط بعد غیر رسمی این متغیر مورد نظر بوده است. در این پژوهش برای سنجش بعد غیر رسمی برجسب، از سه مؤلفه ارزیابی والدین از فرد، ارزیابی معلمان از فرد، و ارزیابی همالان از فرد با معرف‌هایی نظیر داشتن استعداد، اهل مطالعه بودن، شجاع بودن، خوش فکر بودن، بی‌خیال بودن و تعداد ۱۲ گویه استفاده شد (علی‌وردی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۲؛ Paternoster and Iovanni, 1989). ضریب آلفای کرونباخ آن نیز ۰/۷۱ برآورد شد.

۵. یافته‌های تحقیق

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب ابعاد بزهکاری

ردیف	ابعاد بزهکاری	گزینه	پسر		دختر		کل	
			تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	تخریب اموال	کم	۱۳۳	۶۲/۱	۱۰۶	۵۷	۲۳۹	۵۹/۸
		متوسط	۶۴	۲۹/۹	۷۱	۳۸	۱۳۵	۳۳/۸
		زیاد	۱۷	۷/۹	۹	۴/۸	۲۶	۶/۵
۲	خشونت	کم	۱۴۲	۶۶/۴	۱۱۲	۶۰/۲	۲۴۵	۶۳/۵
		متوسط	۵۳	۲۴/۸	۶۲	۳۳/۳	۱۱۵	۲۸/۸
		زیاد	۱۹	۸/۹	۱۲	۶/۵	۳۱	۷/۸

۸۴/۵	۳۳۸	۸۶	۱۶۰	۸۳/۲	۱۷۸	کم	سرقت	۳
۱۱/۸	۴۷	۱۱/۳	۲۱	۱۲/۱	۲۶	متوسط		
۳/۸	۱۵	۲/۷	۵	۴/۷	۱۰	زیاد		
۶۲/۷	۲۵۰	۶۲/۴	۱۱۶	۶۲/۹	۱۳۴	کم	تخلفات منزلی	۴
۳۴/۶	۱۳۸	۳۷/۱	۶۹	۳۲/۴	۶۹	متوسط		
۲/۸	۱۱	۰/۵	۱	۴/۷	۱۰	زیاد		
۹۴/۸	۳۷۹	۹۷/۳	۱۸۱	۹۲/۵	۱۹۸	کم	مصرف مواد	۵
۲/۸	۱۱	۱/۶	۳	۳/۷	۸	متوسط		
۲/۵	۱۰	۱/۱	۲	۳/۷	۸	زیاد		

جدول ۲ نشان‌دهنده توزیع پاسخ‌گویان بر حسب ابعاد بزهکاری است. با توجه به داده‌های جدول مذکور، مشاهده می‌شود که توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب ابعاد بزهکاری بر اساس جنسیت متفاوت است. از مجموع ۴۰۰ دانش‌آموز، ۶۲/۱ درصد از پسران و ۵۷ درصد از دختران (۵۹/۸ درصد کل پاسخ‌گویان) تخریب اموال را در سطح کم گزارش کرده‌اند. ۶۶/۴ درصد از پسران و ۶۰/۲ درصد از دختران (۶۳/۵ درصد کل پاسخ‌گویان) بعد خشونت را در سطح کم گزارش کرده‌اند. همچنین ۸۳/۲ درصد از پسران و ۸۶ درصد از دختران (۸۴/۵ درصد کل پاسخ‌گویان) بعد سرقت را به میزان کم گزارش کرده‌اند. ۶۲/۹ درصد از پسران و ۶۲/۴ درصد از دختران (۶۲/۷ درصد کل پاسخ‌گویان) نیز تخلفات منزلی کمی را گزارش کرده‌اند. در مورد بعد مصرف مواد هم، ۹۲/۵ درصد از دانش‌آموزان پسر و ۹۷/۳ درصد از دانش‌آموزان دختر (۹۴/۸ درصد کل دانش‌آموزان) مصرف مواد را در سطح کم گزارش کرده‌اند. مقایسه ابعاد بزهکاری نشان می‌دهد که رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان بیشتر مربوط به بعد خشونت و پس از آن بعد تخریب اموال است؛ زیرا ۷/۸ درصد از دانش‌آموزان بعد خشونت و ۶/۵ درصد آن‌ها بعد تخریب اموال را در سطح زیاد گزارش کرده‌اند. ارتکاب به سرقت، تخلفات منزلی، و مصرف مواد در رده‌های کمتری قرار دارد. همچنین مقایسه ابعاد بزهکاری نشان می‌دهد که ارتکاب به تخلفات منزلی در حد متوسط فراوانی درصدی بیشتری را نسبت به سایر ابعاد به خود اختصاص داده است. بدین معنا که ۳۴/۶ درصد از کل دانش‌آموزان (۳۲/۴ درصد از پسران و ۳۷/۱ درصد از دختران) تخلفات مربوط به این بعد را در حد متوسط گزارش کرده‌اند.

۱.۵ تحلیل رگرسیونی برای تبیین بزهکاری

در این پژوهش برای تبیین اثر متغیرهای مستقل از روش رگرسیون چندگانه استفاده شده است و متغیرهای پیوستگی، التزام، باور، عکس‌العمل دیگران مهم، بازدارندگی دیگران مهم، پیوند افتراقی، و ارزیابی منفی دیگران مهم با انتخاب روش هم‌زمان (جبری) وارد معادله شده‌اند. جدول شماره ۳ مدل تأثیر متغیرهای مستقل را در بزهکاری نشان می‌دهد.

جدول ۳. ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده بزهکاری

متغیرها	B	T	Beta	Sig	همبستگی (correlation)			آمار هم‌خطی (collinearity) (statistics)
					مربطه صفر (zero order)	تفکیکی (partial) (correlation coefficient)	نیمه تفکیکی (part correlation) (coefficient)	
باور	-۰.۳۳	-۰.۵۹۷	-۰.۳۲۱	۰/۰۰۰	-۰.۳۷۶	-۰.۳۷۶	-۰.۲۹	ضریب حداقل تحمل (VIF) ۱/۴۳ تورم واریانس (tolerance) ۰/۶
پیوند افتراقی	۰/۴۷	۰/۸۶	۰/۲۲۴	۰/۰۰۰	۰/۳	۰/۳	۰/۲۳۵	۱/۰۹
ارزیابی منفی دیگران مهم	-۰/۲۷	-۰/۲۳۳	-۰/۱۱۷	۰/۰۲	۰/۲۲	۰/۲۲	-۰/۱۱۷	۱/۳۶
بازدارندگی دیگران مهم	۰/۱۹۱	۱/۱۳	۰/۰۵۶	۰/۲۵۶	-۰/۰۱۵	-۰/۰۱۵	۰/۰۵۸	۱/۲
عکس‌العمل دیگران مهم	-۰/۲۵۵	-۰/۰۸۹۵	-۰/۰۴۵	۰/۳۷۱	۰/۰۷۳	۰/۰۷۳	-۰/۰۴۵	۱/۲۵
التزام	-۰/۳۳	-۰/۱۹۵	-۰/۱۱۳	۰/۰۵۱	-۰/۰۲۷	-۰/۰۲۷	-۰/۰۸۷	۲/۱۸
پیوستگی	-۰/۰۲۷	-۰/۰۹۳	۰/۰۶	۰/۹۲۶	-۰/۰۱۹۹	-۰/۰۱۹۹	-۰/۰۰۵	۱/۸۹
Sig=۰/۰۰۰ F=۱۵/۳ R ² =۰/۲۱۵ R=۰/۴۶۴								

۰/۳۸	۰/۳۳	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	ارزیابی منفی دیگران مهم
۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	پیوستگی
۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	عکس‌العمل دیگران مهم
۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	بازدارندگی دیگران مهم
۰/۰۹۲	۰/۰۸۷	۰/۰۸۷	۰/۰۸۷	۰/۰۸۷	۰/۰۸۷	۰/۰۸۷	۰/۰۸۷	۰/۰۸۷	۰/۰۸۷	R ²
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig

یافته‌های حاصل از جدول ۴ نیز ضرایب تأثیر استاندارد رگرسیونی را بر حسب ابعاد بزهکاری نشان می‌دهد. همچنین ضریب تعیین و سطح معناداری برای هر مدل محاسبه شده است. بدین معنا که بالاترین ضریب تعیین (R^2) به ترتیب مربوط به ابعاد تخلفات منزلتی و تخریب اموال و معادل ۰/۱۸ درصد است. یافته‌های جدول نشان می‌دهد از بین هفت متغیر وارد شده در مدل، دو متغیر باور و پیوند افتراقی با همه ابعاد بزهکاری ارتباط معناداری دارند و سه متغیر پیوستگی، عکس‌العمل دیگران مهم، و بازدارندگی دیگران مهم با هیچ‌یک از ابعاد بزهکاری رابطه معناداری ندارند. متغیر التزام صرفاً با ابعاد تخریب اموال، خشونت، و سرقت رابطه‌ای معنادار دارد. همچنین متغیر ارزیابی منفی دیگران مهم اگرچه با ابعاد تخریب اموال و خشونت دارای رابطه‌ای معنادار بوده است، لیکن جهت رابطه معکوس است. در حالی که بر مبنای فرضیه مستخرج از نظریه برجسب‌زنی، این رابطه به صورت مستقیم پیش‌بینی شده است. نکته قابل توجه این است که باور، که تأثیری کاهنده در همه ابعاد بزهکاری دارد، بیشترین تأثیر را روی سرقت و تخلفات منزلتی (بتا = -۰/۳۰) و سپس تخریب اموال و مصرف مواد (بتا = -۰/۲۷) دارد. در حالی که کمترین تأثیر را روی خشونت (بتا = -۰/۲۰) داشته است. همچنین متغیر پیوند افتراقی بیشترین تأثیر را روی خشونت (بتا = ۰/۲۷) و تخلفات منزلتی (بتا = ۰/۲۲) دارد و کمترین تأثیر را به ترتیب روی تخریب اموال (بتا = ۰/۱۶)، مصرف مواد، و سرقت (بتا = ۰/۱۲) داشته است.

۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش بر آن بوده است که بر مبنای نظریات پیوند اجتماعی هیرشی، یادگیری اجتماعی ایکرز، و برچسب‌زنی متغیرهایی را در رابطه با نقش خانواده، مدرسه، و گروه همالان در بروز بزهکاری دانش‌آموزان استخراج کند و مورد بررسی تجربی قرار دهد. به طور کلی هدف این پژوهش بررسی نقش خانواده، مدرسه، و همالان در بزهکاری دانش‌آموزان بوده است که با حجم نمونه ۴۰۰ دانش‌آموز سال سوم متوسطه (۵۳/۵ درصد پسر و ۴۶/۵ درصد دختر) در منطقه ۵ شهر مشهد انجام گرفته است. بنابر مطالعات انجام گرفته و چهارچوب نظری تحقیق، هفت فرضیه در این پژوهش ارائه و نتایج حاصل از آزمون فرضیات به شرح ذیل حاصل شد.

فرضیه دال بر وجود رابطه معکوس بین التزام و بزهکاری تأیید شد. التزام مولفه عقلانی نظریه پیوند اجتماعی هیرشی است که به سرمایه‌گذاری‌های فرد در دوره هم‌نوایی با قوانین مرسوم جامعه اشاره می‌کند. بر اساس این نظریه افرادی که از میزان التزام بالایی برخوردارند، در محیط‌هایی مثل مدرسه، اشتغال، و خانه بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنند و برای حفظ دستاوردهای خود دلیل بیشتری دارند و کمتر به رفتارهای بزهکارانه روی می‌آورند؛ چرا که منافع خود را از دست خواهند داد و حاضر نیستند ارزش و موقعیت‌های اجتماعی را از دست دهند. در مقابل کسانی که نیاز کمتری به این سرمایه‌گذاری احساس می‌کنند، خطر کمتری را در ارتکاب جرم و ناهنجاری احساس می‌کنند. به عبارت دیگر، بزهکاران راجع به پیامدهای رفتار خود نگران نیستند زیرا انگیزه‌ای برای رسیدن به اهداف عالی ندارند. مطابق با این نظریه هرچه میزان التزام فرد بیشتر باشد، بزهکاری نیز کاهش می‌یابد و برعکس. فرضیه دیگری که بر وجود رابطه معکوس بین باور و بزهکاری دلالت داشت نیز تأیید شد. عنصر سوم متغیر پیوند اجتماعی عبارت است از باور به ارزش‌ها و هنجارهای مرسوم جامعه. بر اساس نظریه پیوند اجتماعی هیرشی، باور نوعی التزام به نظام ارزشی مشترک و مشروع جامعه است. کسانی که اعتقادات راسخ و محکمی به این نظام ارزشی مشترک ندارند، فاقد این نوع التزام هستند. بنابراین از پیوندهای اجتماعی آزادند و احتمال این‌که مرتکب رفتار انحرافی شوند، بیشتر است. در مقابل کسانی که به مشروعیت هنجارها و ارزش‌های اخلاقی جامعه اعتقاد دارند، از نوعی التزام نسبت به نظام اخلاقی جامعه برخوردارند و با در نظر گرفتن منافع مشترک جامعه، که در بطن ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی حاکم بر جامعه قرار دارد، حاضر نیستند برای منافع آنی و زودگذر

فردی که در آینده نیز به ضرر خودشان منجر خواهد شد، منافع جمعی را به‌خطر بیندازند و بدین ترتیب کمتر به سمت انحراف متمایل می‌شوند. بر اساس نظریهٔ هیرشی، بزهکاری نتیجهٔ فقدان باورهایی است که بزهکاری را منع می‌کند. در این پژوهش نیز رابطهٔ معکوس میان متغیر باور و بزهکاری معنادار شد. بنابراین بر اساس نظر هیرشی هرچه میزان باور به ارزش‌ها و هنجارهای متعارف جامعه بیشتر باشد، میزان بزهکاری نیز کمتر خواهد شد و برعکس هرچه میزان باور به ارزش‌ها و هنجارهای متعارف جامعه کمتر باشد، میزان بزهکاری نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه‌ای هم که بر وجود رابطهٔ مستقیم میان پیوند افتراقی و بزهکاری دلالت داشت، در این پژوهش تأیید شد. مفهوم پیوند افتراقی، برگرفته از نظریهٔ یادگیری اجتماعی ایکرز، نیز به نمایش رفتارها و نگرش‌های مجرمانه‌ای اشاره دارد که از طریق یادگیری در یک فرایند پیوند افتراقی رخ می‌دهد. در این پژوهش، پیوند افتراقی یادگیری رفتار مجرمانه در گروه‌های خصوصی و خودمانی از جمله معاشرت با افراد خلافکار تعریف شده است. همالان مجرم، با ارائهٔ الگوهای رفتاری خود و تقویت نگرش‌های انحرافی، میزان گرایش به جرم و بزه را در فرد افزایش می‌دهند. در این پژوهش نیز مطابق با نظریهٔ ایکرز رابطهٔ مستقیم میان پیوند افتراقی و بزهکاری تأیید شد. بنابراین هرچه میزان پیوند و معاشرت فرد با همالان خلافکار و بزهکار بیشتر باشد، احساس تعهد به ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر آن گروه نیز بیشتر می‌شود و با یادگیری قواعد و شیوه‌های جدید بزهکاری میزان گرایش به بزهکاری نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر این به همان اندازه که تعهدات و پیوند جوانان به گروه‌های همالان بزهکار بیشتر می‌شود، ممکن است میزان التزام آن‌ها به خانواده و مدرسه کاهش یابد؛ به طوری که نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه نیز بی‌اعتنا شوند و درنهایت در جهت تخلف از آن‌ها گام بردارند. اما هرچه میزان این پیوندها کمتر باشد، بزهکاری کاهش می‌یابد.

معنادارنشدن رابطهٔ سه متغیر پیوستگی، عکس‌العمل دیگران مهم، و بازدارندگی دیگران مهم با بزهکاری می‌تواند به علت بروز خطا در نمونه‌گیری و یا در جمع‌آوری داده‌ها باشد و یا این که حجم نمونه برای معنادارشدن این فرضیه به اندازهٔ کافی نبوده است. همچنین می‌توان چنین استدلال کرد که ممکن است به علت تغییر ساختار نوع روابط نمونهٔ مورد بررسی در این تحقیق با والدین، دوستان، و مدرسه فی‌نفسه عکس‌العمل و بازدارندگی دیگران مهم آن‌ها هیچ رابطه‌ای با رفتار انحرافی نداشته باشد و نظریهٔ تقویت افتراقی ایکرز به

علت رشد فردگرایی در جامعه امروز، کم‌شدن تعاملات و کنش‌های متقابل میان افراد جامعه، و گسترش ابزارها و خدمات مربوط به جامعه مجازی برای این نمونه صدق نکند.

واضح است که روابط مستحکم خانوادگی و نظارت والدین می‌تواند فرصت برقراری روابط منفی و مخرب را بین جوانان کاهش دهد. برنامه‌های خانوادگی مؤثر از قبیل درمان کارکردی خانواده یا آموزش مدیریت خانواده ممکن است تمایل به همالان بزهکار را در جوانان کاهش دهد. اساساً، بهبود فعالیت‌های مربوط به فرزندپروری در سنین اولیه می‌تواند جوانان را از آثار مخرب حفظ کند. سپردن همالان محل اجتماعی به افراد مثبت اجتماعی (مثل مربی) می‌تواند آن‌ها را در گرفتن تصمیمات سازنده اجتماعی راهنمایی کند (Ingram et al., 2007: 395). تحقیقات حوزه بزهکاری، به صورت هماهنگ با هم، پیوند با همالان بزهکار را به عنوان قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده بزهکاری مطرح می‌کنند. اگر والدین دوستان فرزندانشان را بشناسند، ممکن است بتوانند روی رفتار بزهکارانه فرزندانشان اثر معناداری داشته باشند. از طرف دیگر، مدارس باید در جهت فعالیت‌هایی از قبیل ورزش سرمایه‌گذاری کنند. زمانی که مدارس دانش‌آموزان را با فعالیت‌هایی مشغول می‌کنند که مهارت آن‌ها را گسترش، استعدادشان را ترقی، و دانش بین فردی آنان را افزایش می‌دهد؛ احتمالاً پیوند درون مدرسه نیز بهبود پیدا می‌کند. دانش‌آموزان، از طریق این فعالیت‌های فوق برنامه در مدرسه، کارکردن به عنوان یک گروه را با هم تجربه می‌کنند و با جمعیت بیشتری از دانش‌آموزان به بحث و کنش متقابل می‌پردازند. مشارکت والدین در مدرسه نیز می‌تواند به طور قابل توجهی به کسب معدل بالاتر، کاهش بزهکاری، کاهش مصرف مواد، و کم‌شدن معاشرت با همالان بزهکار منجر شود (Eith, 2005). در واقع، افزایش اعضای گروه‌های غیر بزهکار در شبکه‌های دوستی، بدون تغییر در رفتار اعضای بزهکار، بزهکاری نوجوانان را کاهش خواهد داد. ممکن است روابط بنیادی که جوانان بزهکار را به غیر بزهکاران پیوند می‌دهد برای بزهکاران مفید باشد، اما به صورت پنهان خطری برای جوانان غیر بزهکار است.

منابع

- حسینی، سیداحمد و شیرین یکه‌کار (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای عوامل خانوادگی مؤثر بر بزهکاری دختران نوجوان شهر تهران ۱۳۸۷-۱۳۸۶»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، ش ۱۲.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۱). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.

- شهبازی، رحمان (۱۳۸۸). «تأثیر عوامل اجتماعی (خانواده، اولیای مدرسه، و گروه دوستان) بر بزهکاری نوجوانان شهر تبریز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
- علیوردی‌نیا، اکبر و حمید حیدری (۱۳۹۱). «کاربست تجربی نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز در مطالعه رفتارهای وندالیستی دانش‌آموزان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ش ۱ و ۲.
- علیوردی‌نیا، اکبر، حیدر جانعلی‌زاده چوب‌بستی، و رقیه توحیدیان (۱۳۹۲). «تأثیر برجسب‌زنی بر گرایش دانشجویان به رفتارهای انحرافی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ش ۲۲.
- علیوردی‌نیا، اکبر، محمداسماعیل ریاحی، و محمدرضا سلیمانی بشلی (۱۳۸۷). «تبیین جامعه‌شناختی گرایش به مصرف سیگار»، *فصلنامه زبان و ادبیات فارسی*، ش ۶۱.
- مهدوی، سیدمحمدصادق و علی‌اصغر عباسی اسفنجیر (۱۳۸۷). «بررسی رابطه بین پیوندهای اجتماعی - خانوادگی و میزان بزهکاری نوجوانان: کوششی در جهت تبیین اجتماعی - خانوادگی رفتارهای بزهکارانه نوجوانان ۱۳-۱۹ ساله شهر بهشهر، بر اساس آزمون تجربی نظریه‌های کنترل اجتماعی هیرشی»، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ش ۱.

- Adams, M. S., C. T. Robertson, P. Gray-Ray, and M. C. Ray (2003). 'Labeling and Delinquency', *Adolescence*, Vol. 38, No. 149.
- Agnew, R. (1991). 'A Longitudinal Test of Social Control Theory and Delinquency', *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 28, No. 2.
- Alromaih, Y. A. (1993). 'Social Control and Delinquency in Saudi Arabia', Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy, Washington State University.
- Alvarez-Rivera, L. L. and K. A. Fox (2010). 'Institutional Attachments and Self-Control: Understanding Deviance among Hispanic Adolescents', *Journal of Criminal Justice*, Vol. 38, No. 4.
- Barrick, K. (2007). 'Being Labeled a Felon and its Consequences for Recidivism: An Examination of Contingent Effects', Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy, The Florida State University.
- Bernburg, J. G. and M. D. Krohn (2003). 'Labeling, Life Chances, and Adult Crime: The Direct and Indirect Effects of Official Intervention in Adolescence on Crime in Early Adulthood', *Criminology*, Vol. 41, No. 4.
- Bernburg, J. G. and T. Thorlindsson (1999). 'Adolescent Violence, Social Control, and the Subculture of Delinquency: Factors Related to Violent Behavior and Nonviolent Delinquency', *Youth & Society*, Vol. 30, No. 4.
- Braithwaite J. (1989). *Crime, Shame, and Reintegration*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Brown, Stephen E., Finn-Aage Esbensen, and Gilbert Geis (2010). *Criminology: Explaining Crime and Its Context*, 7th ed., New Jersey: LexisNexis.
- Buckner, K. J. (2009). 'Dimensions of Adolescence Maltreatment and Self-Reported Delinquency: The Mediating Roles of Attachment to Parents and Attachment to School', Thesis for the degree of Doctor of Philosophy, Case Western Reserve University.

- Chapple C. L., J. A. McQuillan, and T. A. Berdahl (2005). 'Gender, Social Bonds, and Delinquency: A Comparison of Boys' and Girls' Models', *Social Science Research*, Vol. 34, No. 2.
- Church, W. T., S. Tomek, K. A. Bolland, L. M. Hooper, J. Jagers, and J. M. Bolland (2012). 'A Longitudinal Examination of Predictors of Delinquency: An Analysis of Data from the Mobile Youth Survey', *Children and Youth Services Review*, Vol. 34, No. 12.
- Cretacci, M. A. (2003). 'Religion and Social Control: An Application of a Modified Social Bond on Violence', *Criminal Justice Review*, Vol. 28, No. 2.
- Demuth, S. and S. L. Brown (2004). 'Family Structure, Family Processes, and Adolescent Delinquency: The Significance of Parental Absence Versus Parental Gender', *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 41, No. 1.
- Deutsch, A. R., L. J. Crockett, J. M. Wolff, and S. T. Russell (2012). 'Parent and Peer Pathways to Adolescent Delinquency: Variations by Ethnicity and Neighborhood Context', *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 41, No. 8.
- Dornbusch, S. M., K. G. Erickson, J. Laird, and C. A. Wong (2001). 'The Relation of Family and School Attachment to Adolescent Deviance in Diverse Groups and Communities', *Journal of Adolescent Research*, Vol. 16, No. 4.
- Eith, C. A. (2005). *Delinquency, Schools, and the Social Bond*, New York: LFB Scholarly Publishing LLC.
- Foglia, W. D. (1996). 'Exploring the Interaction of Cognitive and Social Learning Influences to Enhance Understanding of Self-Reported Delinquency among Inner City Youths', Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy in Criminology, Pennsylvania State University.
- Gupta, V. and V. R. Krishnan (2004). 'Impact of Socialization on Transformational Leadership: Role of Leader Member Exchange', *South Asian Journal of Management*, Vol. 11, No. 3.
- Hawdon, J. E. (1999). 'Daily Routines and Crime: Using Routine Activities as Measures of Hirschi's Involvement', *Youth & Society*, Vol. 30, No. 4.
- Hayes, H. D. (1997). 'Using Integrated Theory to Explain the Movement into Juvenile Delinquency', *Deviant Behavior*, Vol. 18, No. 2.
- Haynie, D. L. (2002). 'Friendship Networks and Delinquency: The Relative Nature of Peer Delinquency', *Journal of Quantitative Criminology*, Vol. 18, No. 2.
- Haynie, D. L. and D. W. Osgood (2005). 'Reconsidering Peers and Delinquency: How do Peers Matter?' *Social Forces*, Vol. 84, No. 2.
- Hirschfield, P. J. (2008). 'The Declining Significance of Delinquent Labels in Disadvantaged Urban Communities', *Sociological Forum*, Vol. 23, No. 3.
- Huebner, A. J. and S. C. Betts (2002). 'Exploring the Utility of Social Control Theory for Youth Development: Issues of Attachment, Involvement, and Gender' *Youth & Society*, Vol. 34, No. 2.
- Ingram, J. R., J. W. Patchin, B. M. Huebner, J. D. McCluskey, and T. S. Bynum (2007). 'Parents, Friends, and Serious Delinquency: An Examination of Direct and Indirect Effects among At-Risk Early Adolescents', *Criminal Justice Review*, Vol. 32, No. 4.

- Jenkins, P. H. (1997). 'School Delinquency and the School Social Bond', *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 34, No. 3.
- Kennedy, N. (2010). 'A Sociological Approach to Understanding Drug Crime in Ireland', *Socheolas: Limerick Student Journal of Sociology*, Vol. 3, No.1.
- Kim, T. E. and S. G. Goto (2000). 'Peer Delinquency and Parental Social Support as Predictors of Asian American Adolescent Delinquency', *Deviant Behavior*, Vol. 21, No. 4.
- Krohn, M. D. and J. L. Massey (1980). 'Social Control and Delinquent Behavior: An Examination of the Elements of the Social Bond', *The Sociological Quarterly*, Vol. 21, No. 4.
- Le, T. N., G. Monfared, and G. D. Stockdale (2005). 'The Relationship of School, Parent, and Peer Contextual Factors with Self-Reported Delinquency for Chinese, Cambodian, Laotian or Mien, and Vietnamese Youth', *Journal of Research in Crime & Delinquency*, Vol. 51, No. 2.
- Lee, G. (1998). 'Social Structure and Social Learning in Adolescent Delinquency and Substance Use: A Test of the Mediating Process of Social Learning Theory', Ph.D. Dissertation, University of Florida.
- Li, S. D. (2004). 'The Impacts of Self-Control and Social Bonds on Juvenile Delinquency in a National Sample of Midadolescents', *Deviant Behavior*, Vol. 25, No. 4.
- Longshore, D., E. Chang, Shih-chao Hsieh, and N. Messina (2004). 'Self-Control and Social Bonds: A Combined Control Perspective on Deviance', *Crime & Delinquency*, Vol. 50, No. 4.
- Marte, R. M. (2008). *Adolescent Problem Behaviors: Delinquency, Aggression, and Drug Use*, New York: LFB Scholarly Publishing LLC.
- Matsueda, R. L. (1992). 'Reflected Appraisals, Parental Labeling, and Delinquency: Specifying a Symbolic Interactionist Theory', *American Journal of Sociology*, Vol. 97, No. 6.
- Menasco, M. A. (2005). 'A Reconsideration of Social Control Theory: Understanding the Interwoven Nature of the Social Bond, Academic Performance, and Juvenile Delinquency', Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy, State University of New York.
- Ozby, O. and Y. Z. Ozcan (2008). 'A Test of Hirschi's Social Bonding Theory: A Comparison of Male and Female Delinquency', *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, Vol. 52, No. 2.
- Parlier, J. M. (2009). 'A Social Control Based Analysis of the Effect of Community Context upon Self Reported Delinquency Rates', Thesis for the Degree of Master of Art in Criminal Justice and Criminology, East Tennessee State University.
- Pasma, D. (2008). 'Assessing the Relation Between Attachment and Psychopathic Traits in a Sample of Adolescents: Is it Mediated by Delinquency?', Thesis for the Degree of Master of Arts in the Graduate Academic Unit of Psychology, The University of New Brunswick.
- Paternoster R. and L. Iovanni (1989). 'The Labeling Perspective and Delinquency: An Elaboration of the Theory and an Assessment of the Evidence', *Justice Quarterly*, Vol. 6, No. 3.

- Payne, A. A. (2008). 'A Multilevel Analysis of the Relationships among Communal School Organization, Student Bonding, and Delinquency', *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 45, No. 4.
- Petts, R. J. (2009). 'Family and Religious Characteristics' Influence on Delinquency Trajectories from Adolescence to Young Adulthood', *American Sociological Review*, Vol. 74, No. 3.
- Shechory, M. and A. Laufer (2008). 'Social Control Theory and the Connection with Ideological Offenders among Israeli Youth during the Gaza Disengagement Period', *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, Vol. 52, No. 4.
- Stewart, E. A., R. L. Simons, R. D. Conger, and L. V. Scaramella (2002). 'Beyond the Interactional Relationship between Delinquency and Parenting Practices: The Contribution of Legal Sanctions', *Journal of Research in Crime & Delinquency*, Vol. 39, No. 1.
- Van Gundy-Yuder, A. L. (2007). 'Gender, Parental Attachment, and Delinquency: Revisiting Hirschi's Social Bond Theory', Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy, University of Cincinnati.
- Zhang, Y. (2004). 'Explaining Drug Use and Delinquency by Race and Ethnicity: A Test of Differential Association, Social Bonds, and Self-Control', Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy, Michigan State University.

